

در جستجوی

دشت خاوران

محمد وکیلی



تابستان ۱۳۸۹

وکیلی، محمد، ۱۳۱۹-

در جستجوی دشت خاوران/ محمد وکیلی

مشهد: نشر الف، ۱۳۸۹.

۲۸۰ ص: مصور.

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۵۰-۴۴-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیا

۱- ابوسعید ابوالخیر ۳۵۷-۴۴۰ق ۲- خاوران ۳- خراسان- تاریخ- مسائل متفرقه

رده بندی کنگره: ۱۳۸۹ و ۱۸۴الف / DSR ۲۰۸۵

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۶۳۴۵

شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۶۶۴۳۲



در جستجوی دشت خاوران

به اهتمام

محمد وکیلی

بلوار معلم - نرسیده به چهارراه دانشجو- ابتدای معلم ۳۶ پلاک ۱۴۲ - انتشارات الف

۰۹۱۵۱۱۵۷۹۳۰-۰۵۱۱۸۵۹۸۲۸۸-۰۵۱۱۸۹۳۰۰۹۲

صفحه پرداز: خدمات نشر آویزه- علاقه مند

ویرایستار: زیبا وکیلی

تعداد صفحات: ۲۸۰ صفحه وزیری

شمارگان: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۳۸۹

امور فنی و چاپ: دقت مشهد (۰۵۱۱-۳۸۱۰۲۲۰)

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹-۴۴-۲۵۵۰-۹۷۸-۹۶۳

حق چاپ محفوظ

فهرست مطالب

مقدمه و اشاره.....	۹
آیا الاسماء تنزل من السماء اند؟.....	۱۰

بخش اول

شناخت دشت خاوران اساطیری

فصل اول: شناخت دشت خاوران اساطیری.....	۱۹
۱- خاور خاوران و خاور زمین به کدام منطقه از پهنه‌ی ایران اطلاق می‌شود؟ ..	۲۲
الف: خراسان در قدیم	۲۲
ب - خراسان در دوره تسلط تازیان	۲۳
حدود اربعه ایران از نظر مولف تاریخ سیستان.....	۲۸
۲- خاور از نظر جغرافیایی کجا است؟.....	۲۹
۳- آیا شرق و غرب تاریخی و جغرافیایی یک مفهوم دارد؟.....	۳۲
۴- واژه‌شناسی خاور در کتب و فرهنگ‌ها.....	۳۳
۵- واژه‌شناسی دشت خاوران	۳۸
مفهوم کلی دشت.....	۳۸
۶- دشت خاوران کجا است؟	۳۹
۷- دشت خدایان.....	۴۱
۸- ولایت خابران یا خاوران.....	۴۳

۴۷	فصل دوم: خاور زمین اساطیری و شاهنامه‌ای
۴۹	خاور زمین اساطیری و شاهنامه‌ای
۵۱	دشت جورانه - جورانه - خورانه
۵۲	زمین داور - ارض داور - بلده داور
۵۳	زمین داور «زمین خاور»
۵۷	پشن pasen: نام پادشاه توران
۶۰	هوشنگ Hosang
۶۱	پوشنگ posank
۶۲	ولایت فوشنج - بوشنج - پوشنگ
۶۴	پوشنگ و طاهریان
۶۵	حسین بن مصعب پدر طاهر ذوالیمینین حاکم ولایت پوشنج
۶۶	طاهر ذوالیمینین پوشنگی
۶۷	فصل سوم: پشن در شاهنامه‌ها و مشاعره فردوسی
۶۹	پشن pasen
۷۲	جنگ پشن یا لاون
۷۷	کیخسرو و پادشاهی او kayxosrow
۱۰۱	کاسه - تاسه - تاس رود / kase-rud
۱۰۳	چگونگی نبرد ۱۱ یا ۱۲ رخ
۱۱۸	جغرافیای تاریخی کلات و زبید گناباد
۱۲۴	کلات
۱۲۵	کلات نادری
۱۲۶	کلات کاخک گناباد
۱۳۰	دشت دغو یا دغوی Daquy

بخش دوم خراسان در دوره اسلامی و معاصر

فصل اول: چهار شهر عمده‌ی خراسان در دوره اسلامی.....	۱۳۵
خراسان در دوره اسلامی و معاصر.....	۱۳۹
خراسان معاصر.....	۱۴۱
خراسان xorasan.....	۱۴۲
چگونگی فتح خراسان توسط عبدالله ابن عامر و دیگران.....	۱۴۳
آیا خاوران و دشت خاوران همین سرزمین مه‌ولات و ولایت ماه است؟.....	۱۴۷
مِهَنه.....	۱۵۴
الف- مِهَنه خابران.....	۱۵۴
ب - مِهَنه‌ی خراسان رضوی یا مِهَنه مه‌ولات.....	۱۵۴
فصل دوم: حماسه‌های خاوران و دشت خاوران.....	۱۶۵
حماسه‌های خاوران و دشت خاوران.....	۱۶۷
سورنا سپهسالار قشون اشکانی، سردار و قهرمان خاورانی، شکست دهنده کراسوس رومی.....	۱۷۲
سورن یا سورنا.....	۱۷۲
سورن و سورنا.....	۱۷۲
زوزن زادگاه اصلی قوم پارت.....	۱۷۹
زوزن - ZoZan.....	۱۷۹
خیرآباد مه‌ولات «خاوران آباد».....	۱۸۲
فصل سوم: طاهر ذوالیمینین پوشنگی خاورانی.....	۱۸۹
طاهر ذوالیمینین پوشنگی خراسانی خاورانی.....	۱۹۱
اصل و نسب و پیشینه خانوادگی طاهریان.....	۱۹۱
واگذاری حکومت خراسان به خاندان طاهر ناز شست قتل امین.....	۱۹۷

عصیان و اعلام استقلال و فوت طاهر ذوالیمینین در خراسان	۱۹۸
هدف نهایی اقدامات طاهر چه بود؟	۲۰۲
فصل چهارم: ابوسعید ابوالخیر مهنوی	۲۰۵
ابوسعید ابوالخیر مهنوی	۲۰۷
زادگاه ابوسعید ابوالخیر	۲۰۷
ابوسعید ابوالخیر در راه ملامت بود	۲۱۶
بیان الملامه	۲۱۸
ملامتیه چه کسانی بودند؟	۲۲۰
طعم خوش وقت	۲۴۱
پایان زندگانی ابوسعید ابوالخیر مهنکی	۲۴۲
ابوسعید ابوالخیر مرد هزاره عرفان	۲۴۵
جوان‌گرایی ابوسعید ابوالخیر	۲۴۶
سلطان محمود دخالت می‌کند!	۲۴۷
داستان بوسعید و کنیزک	۲۵۱
سخن آخر	۲۵۳
منابع و مأخذ	۲۵۶
نقشه‌ها - تصاویر	۲۵۹

به نام خدا

مقدمه و اشاره:

ابوتراب جلی طنزپرداز و فکاهی نویس معروف عصر حاضر^۱ در باب اهل تاریخ و توصیف وسوسه‌های آن‌ها چنین می‌گوید:

که دارایی‌اش کاغذ پاره‌ای بود	در ایام سلف بی‌کاره‌ای بود
نوشتی، هی عبارات هَشَاهِفْ	به کاغذ پاره با نثر مزخرف
تسولد یافته در استرآباد	که یعفور ^۲ بن قیدورین شداد
پس از یک روز و یک شب تا ابرقو	از آنجا آمده بر پشت یابو
به قول بعضی این دعوی خلاف است	ولی در این روایت اختلاف است
که نتوانی سگ او را کنی «جَخ»	حمیدالدین، ابوالفتح مؤرخ

۱ - مجله گل آقا شماره هفتگی ۳۳۹ ابوتراب جلی

۲ - یعفور: نام استر یا خری است که منقوس حاکم مصر با کنیزکی مصری به نام «ماریه» به عنوان هدیه برای حضرت رسول ﷺ به مدینه فرستاد. یعفور همان تغییر شکل یافته کلمه جعفر عربی است که به معنای چهارپا یعنی خر و قاطر سیاه رنگ می‌باشد. به شعر زیر توجه کنید:

جعفری دیدم که بر جعفر سوار
جعفری می‌خورد و بر جعفر گذشت
اگر دوست دارید به کتب لغت و فرهنگ‌ها مراجعه کنید.

چنین فرموده در «چرت التواریخ»
 بود میلاد یعفور بن قیدور
 به عمر خود نرفته استرآباد
 نبوده کار او یابو سواری
 اگر چه تا ابرقو رفته، اما
 سراج الدیسن ابوالخرطوم رازی
 نوشته در کتاب نفخته الفور
 از این رو نام خود را سهل و آسان
 که اصلاً این سند جعل است از «بیخ»
 به روز جمعه آن هم در نشابور
 سکونت داشته در شهر بغداد
 سقر رفته ولی همراه گاری
 پس از شصت و سه روز از راه دریا
 دبیر خاص مجدالملک غازی
 که از اهل خراسان است یعفور
 گرفت از اول نام خراسان^۱

آیا الاسماء تنزل من السماء اند؟

گفته اند اسماء از آسمان فرود می آیند، که البته ممکن است بعضی از اسامی این قدر عزیز و متبرک باشند که آسمانی بنمایند که این اسامی متبرک در نزد اقوام مختلف متفاوت است. ولی باید گفت که اسامی زمینی و انسانی و بعضی بعد از پیدا کردن بار معنوی به آسمان رفته و دو مرتبه به زمین بر می گردند و نقش خود را در زمینه های مختلف بازی می کنند.

با کمی دقت و تفکر می شود دریافت که نام ها اغلب یا ریشه تاریخی اجتماعی دارند و از وقایع و حوادث تاریخی اجتماعی سرچشمه گرفته و یا مظاهر طبیعت و جغرافیا است که به جاها و مکان ها و اقوام و اشخاص داده شده است مانند ایران - افغانستان - هندوستان - ترکمنستان - عربستان - ارمنستان و غیره که ایران سرزمین اقوام آریایی - افغانستان محل زندگی قوم افغان و هندوستان

۱ - خراسان: یعنی محل برآمدن خورشید است که به معنای خور آسان هم که سهل و آسان است نیز آمده است ولی آقای ابوتراب جلی شاعر آن را با یعفور به معنای خر و استر آورده است و از بخش اول کلمه خراسان که «خر» است گرفته است که باید گفت: المعنا فی البطن شاعر.

مکان زندگی هندوها و عربها و ارمن‌ها و ترکمن‌ها....

و بعضی دیگر از اسامی حکایت‌کننده نواحی و مناطق جغرافیایی است و اصطلاحات و ویژگیهای خاص جغرافیا را بیان می‌کنند مانند: خاور باختر-شمال جنوب دشت-کوه صحرا-رود جنگل که مظاهر طبیعت و با توجه به ویژگی‌های خود نام‌گذاری شده‌اند مانند خاور-خاوران خراسان-اوراسیا-دشت خاوران و دشت سیبری-دشت قیبحاق و مغان و دشت اتک و جلگه‌های طوس و نیشابور و سیستان و هرات و هیرمند دشت عمرانی و خالصة مه ولات و جیرفت و غیره و غیره همه حکایت تاریخ و جغرافیا را می‌کنند که ترکیب سه اصل مکان و زمان و انسانند و هر یک به صورتی در زمان و مکان معین و با انسان یا انسان‌های مشخص و معینی ایجاد شده و نام‌گذاری گردیده‌اند.

موضوع دیگری که در بحث نام‌گذاری تاریخی همیشه مطرح بوده است بحث برتری این سه اصل مکانی-زمانی و انسان است که آیا جغرافیا و طبیعت و عواملی محیطی اهمیت دارد و مقدم و برتر است به حوادث و قایع تاریخی و اجتماعی-و همچنین برتری و اهمیت به انسان و ویژگیهای خاص یک قوم یا فرد و افراد مشخص و معین در ایجاد وقایع و حوادث و یا جهش اجتماعی فرهنگی موثرتر است. گر چه گفته می‌شود که جغرافیا و محیط طبیعی مهد و بستر حوادث تاریخی اجتماعی است ولی باید گفت که اگر انسان در این گهواره وجود نداشته باشد طبیعت خود به خود هیچ گونه تحولی را ایجاد نمی‌کند و اگر هم ایجاد بکند چون نقش زمان و انسان مطرح نیست قابل شناخت و فایده نخواهد بود و در مورد عامل سوم یعنی انسان‌های برتر و قهرمانان تاریخی ملی و قومی نیز باید گفت که اگر این قهرمانان و نامداران و نام‌آوران را از تاریخ و جامعه انسانی برداریم از فرهنگ و جامعه انسانی و جهان، بخش ارزشمندی باقی نخواهد ماند در مورد نقش قهرمانان و سرداران و نامداران کارلایل انگلیسی و بلوخانف روسی به حدی نقش آنها را مهم دانسته‌اند که گفته‌اند جغرافیا و

طبیعت و حوادث تاریخی اجتماعی هر دو اسیر دست قهرمانان تاریخی اجتماعی دینی و مذهبی هستند. در این موارد نظریات گوناگونی مطرح شده است که بد نیست تا آنجا که ممکن است به صورت کوتاه و مختصر در باب برتری سه اصل مکان و زمان و انسان آورده می‌شود.

گویا دوگلاس منجم آمریکایی گفته است که:

«تحولات تاریخی و انقلابات عالم نتیجه‌ی پیدایش لکه‌های خورشیدی است...»

البته ظاهر قضیه بی‌تناسب به نظر می‌آید که نسبت لکه‌های خورشیدی چگونه با تحولات تاریخی اجتماعی می‌تواند ربط داشته باشد.

اما او این طور توجیه می‌کند که هر ۱۱ سال یک بار معمولاً لکه‌های خورشیدی در سطح خورشید پیدا می‌شود که این لکه‌ها باعث انقلابات جوی مهم است که به آن گلف خورشیدی یا بادهای خورشیدی می‌گویند مثلاً در اثر این گلف‌ها

در یک گوشه عالم شرایط غیر عادی جوّی سبب سرد یا گرم شدن هوا می‌شود و در یک جا به طور غیر عادی بارندگی بیش از حد موجب راه افتادن سیلاب و یخبندان و تخریب طبیعت و یا سرمازدگی در سطح وسیعی می‌گردد و یا در اثر گرمای زیاد و عدم بارندگی موجب خشکسالی و سوختن مزارع و نابودی حیوانات وحشی و اهلی می‌گردد و طبیعت لم‌یزرع و غیر قابل استفاده می‌شود: مانند دورانهای یخبندان و دوره‌های خشکسالی در آسیا و آفریقا و اروپا و سایر نقاط عالم که در صفحات تاریخی ثبت و ضبط است و یک نمونه خوب و زنده سرمای فوق العاده زمستان سال ۱۳۸۶ ایران که این سرما که بین ۳۰ تا ۵۰ درجه زیر صفر بود و صدمات و لطمات عدیده‌ای به این کشور وارد ساخته است و بهار و تابستان خشک و گرم آن هم که دنباله‌اش می‌باشد... و نتیجه را خدا داند.

حال ببینیم که این تغییرات جوی در اثر گلف‌های خورشیدی چگونه منجر به تحولات تاریخی و اجتماعی می‌شود می‌گوییم مگر نه این است که در اثر سرما و بارندگی‌های زیاد مزارع ویران سدها شکسته و انسان‌ها بیکار می‌شوند بیکاری قحطی و بینوایی کارگران و طبقات محروم موجب می‌شود تا انسان‌ها برای پیدا کردن کار و زندگی به شهرها هجوم آورده سبب افزایش بی‌رویه جمعیت شهرها شده به علت بیکاری و گرسنگی گروهی به‌پا خواهند خاست و در اثر سوء تغذیه و عدم بهداشت بیماری‌های واگیر کنترل بهداشت عمومی میسر نمی‌شود و در نتیجه همه عوامل دست در دست هم داده سبب اعتراضات ناراضیان و درگیری‌های سیاسی شده و در نهایت دگرگونی اجتماعی و انقلابی پدید می‌آید که در اثر عدم بارندگی و خشکسالی هم چنین وضعیتی پدید خواهد آمد که باید منتظر یک تحول و انقلاب بزرگ و دگرگونی اجتماعی و سیاسی باشیم که نمونه‌های زیاد در کتاب‌های تاریخی می‌توان مشاهده کرد که از همه روشن‌تر واقعه حمله عرب به ایران و شورش‌های داخلی بر علیه حکومت ساسانی در اواخر دوران حکومت ساسانی خاصه یزدگرد سوم است که در اثر بارندگی‌های سال‌های ۶۲۸ میلادی و طغیان رودهای دجله و فرات و کارون و تخریب سیلاب‌ها و شکسته شدن بندها و سدها موجب بیکاری کارگران این نواحی شد و هجوم آنها به شهرها و خصوصاً شهر مداین پایتخت گردید و فقر و تورم اقتصادی و کمبود غذایی سبب بیماری طاعون و عدم بهداشت گردید و هجوم خارجی اعراب و مشکلات داخلی طبقات محروم جامعه شد و یزدگرد سوم ساسانی ناچار فرار را بر قرار ترجیح داد و در نهایت در مرو به دست آسیابانی کشته شد و حکومت چندین ساله ساسانی منقرض گردید.

با این حساب که نمونه‌های زیادی در اثر انقلابات جوی، تحولات تاریخی و اجتماعی پدید آمده است وجود دارد که علاقه‌مندان می‌توانند به کتب و نوشته‌های تاریخی مراجعه کنند که ریشه و اصل شرایط جغرافیایی و جوی

و اما در مورد اصل تاریخی زمانی باید گفته شود که گرچه جغرافیا گهواره و مهد تاریخ و تمدن است و تمدن‌های بزرگ عالم نظیر تمدن چند هزار ساله مصر و بین‌النهرین و چین و موهنجو دارو در سواحل رسوبی رودخانه‌های نیل و فرات و دجله و کارون و سند و هوانگهو و غیره پرورش یافته است.

ولی اصل زمان در پیدایش تاریخ و تمدن‌ها و پیوستگی وقایع تاریخی در زمان معین و رابطه علت و معلولی تمدنها در حوادث بعدی که نتایج آن را به وجود آورده است و نکته غیر قابل تردید است و آن که حوادث در یک زمان معین دست به دست هم می‌دهند و موجب تحولات سیاسی اجتماعی و فرهنگی اقتصادی بعدی می‌گردند مثلاً در تاریخ ایران مرگ ناگهانی هارون الرشید خلیفه عباسی در سال ۱۹۳ هجری در خراسان و رسیدن امین به خلافت و نیز انتخاب مأمون با عنوان ولایت عهد و واگذاری حکومت قسمت شرقی خلافت یعنی از کردستان تا جیحون و آمدن مأمون به خراسان و مرو و حمایت ایرانیان به خصوص آل سهل سرخسی و آل طاهر پوشنگی و در نتیجه پیروزی مأمون بر امین و کشته شدن امین توسط طاهر ذوالیمین و قدرتمند شدن ایرانیان در این زمان را در پی داشت و در نتیجه‌ی نهایی و قدمهای بعدی استقلال دوباره ایران در این زمان معین یعنی در حوالی سالهای ۱۹۳ تا ۲۶۰ هجری زمان حکومت یعقوب لیث صفاری و سایرین شد.

و اما اصل انسانی یا شخصیت‌ها و قهرمانان تاریخی و نقش آن‌ها در تحولات تاریخی اجتماعی سیاسی مهم است.

«کارلایل مورخ و محقق انگلیسی اصلاً قهرمانان را عامل اسیل پیدایش حوادث تاریخی دانسته^۱ و هم چنین پلوخائف روسی^۲ معتقد است که اگر این

۱- کارلایل - کتاب قهرمانان و پرستش قهرمانان

۲- پلوخائف - نقش شخصیت در تاریخ خلیل ملکی

قهرمانان را از حوادث و جریان‌های تاریخی برداریم و نبودند تاریخ بدین شکل صورت نمی‌گرفت مانند نقش رستم در تاریخ اساطیری و پهلوانی ایران باستان و نقش حضرت علی علیه السلام در تاریخ اسلام و شیعه - ابومسلم خراسانی در ایران بعد از اسلام و سرداران دیگر ایرانی نظیر طاهر ذوالیمینین - یعقوب لیث صفاری - امیر اسماعیل سامانی - شاه اسماعیل صفوی نادر قلی افشار و ناپلئون - هیتلر و استالین و گاندی و غیره. پیامبران و مصلحان دینی و مذهبی هر یک در زمان خود نقش تعیین کننده داشته اندز اما نمی‌توان گفت که اگر این قهرمانان و مصلحان و صاحبان مکتب و طریقه نبودند تاریخ ادامه پیدا نمی‌کرد ولی می‌توان گفت که این طور که اتفاق افتاده است نبود و چیز دیگری را ما شاهد بودیم.

پس مکان و زمان و انسان و قهرمانان انسانی سازنده حوادث و اتفاقات تاریخی سیاسی اجتماعی و فرهنگی در شرایط و زمان معین می‌باشند و فقط یک بار آن طور که اتفاق افتاده است امکان داشته و اگر گفته می‌شود که تاریخ و تمدن و حوادث اجتماعی تکراری است باید گفت بلی اما با اجزاء جدید و مختلف یعنی نه آن مکان مکان گذشته است و نه زمان آن زمان است و نه افراد و اشخاص آن نقش‌های گذشته را آن طور می‌توانند بازی کنند و بیافرینند اما در این نوشته نگارنده ناگزیر است چند نکته را یادآوری نماید.

الف - هدف شناخت خاوران و دشت خاوران اساطیری و تاریخی بوده است که به نظر می‌رسد ارتباطی به ماه ولایت و مه ولادت دارد.

و برای شناخت خاوران و دشت خاوران ابتدا به سراغ جغرافیا رفته و با اصطلاحات جغرافیایی آشنایی پیدا کرده است و سرانجام با تاریخ اساطیری و پهلوانی خاصه کیانیان کیکاوس و کیخسرو و قهرمانان ملی همچون رستم و گودرز و گیو و سیاوش و فرنگیس و فربرز و افراسیاب و پیران تورانی و شنگل هندی و خاقان چینی و غیره آشنایی پیدا کرده و....

ب. در دوره تاریخ ایران باستان به سراغ خاندان‌های سورن و قارن که در دوران اشکانیان و ساسانیان نقش آفرین منطقه خاوران و دشت خاوران بودند رفته و از سورنا سردار معروف و مشهور خاورانی شکست دهنده و نابود کننده کراسوس رومی یاد شده و در دوران ایران بعد از اسلام از نقش طاهر ذوالیمین پوشنگی خاورانی که در استقلال دوباره ایران نقش داشته بحث شده و در نهایت به معرفی شخصیت و مقامات عرفانی ابوسعید ابوالخیر مهنکی صوفی نامدار قرن چهارم و پنجم هجری پرداخته است تا بدین وسیله «در جستجوی دشت خاوران» به ارتباطات فکری فرهنگی سیاسی منطقه دشت خاوران با سرزمین ولایت ماه یعنی شهرستان مه ولات کنونی آشنایی بیشتری پیدا نماییم.

تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

توفیق یارتان و حق نگهدارتان باد

محمد وکیلی